



زیباکلام: فرجی دانا فکر کرد اینجا سوییس است.

در کوتاه مدت کاری نمی تواند انجام دهد، باید این رویه از طریق مجلس انجام شود، بر فرض محال که مجلس این مساله را تصویب کند، شورایی نگهبان مانع آن خواهد شد. دولت تاکنون بنا را بر تعامل گذاشته بود و به گفته صادق زیبا کلام همان ابتدای تشکیل کابینه پیمان نانویشته یی را با مجلس بست که يك سر آن واگذاری مهم ترین پست دولتش به طیف لاریجانی بود.

پاسخ از سویی بهارستان اما متفاوت بود. فرجی دانا استیضاح شد، آن هم به دلیل سیاسی. زیباکلام معتقد است دولت باید محکم و جدی تر روی مواضع خودش بایستد و البته تاکید دارد که نباید رویه وزارت علوم با کنار رفتن فرجی دانا تغییر کند چرا که مردم سال 92 به روحانی رای دادند که شاهد تغییر در رویه های سابق باشند.

این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران وقتی صحبت از واکنش روحانی پس از استیضاح می شود می گوید که آنچه از سویی رئیس جمهور برای اجرای قانون اساسی مطرح شد، در کوتاه مدت امکان ندارد چرا که هنوز موانعی در این مسیر وجود دارد. زیباکلام قدرت رئیس جمهور در کشور را بسیار پایین تر از آن چیزی می داند که باید باشد، با این حال برای دستیابی به اختیارات بیشتر برای رئیس جمهور با توجه به اقتضائات کشور، راهکاری را ارایه می دهد که می توانید در گفت و گوی مفصل با او بخوانید. گفتنی است این گفت و گو همزمان به بحث استیضاح تهیه شده بود که به دلیل تراکم مطالب امروز منتشر شد.

وزیر علوم استیضاح شد و فکر می کنید پس از کنار رفتن فرجی دانا، دولت چه سیاستی را در مورد این وزارتخانه دنبال خواهد کرد؟

من فکر نمی کنم آقای روحانی نیاز داشته باشد چیزی را تغییر دهد. به هر حال مجموعه سیاست ها و رویکرد ایشان در يك سال گذشته، با توجه به امکاناتی که از نظر ساختار قدرت در ایران وجود دارد، کما و بیش همان چیزی است که می توانست باشد، بنابراین فکر می کنم رئیس جمهور دست کم در رابطه با وزارت علوم همان سیاست ها را ادامه خواهد داد.

به هر حال به خاطر همان سیاست ها وزیرش استیضاح شد.

اگر قرار باشد که دولت آقای روحانی هم که منتخب اصلاح طلبان است، گامی در جهت رفع محرومیت از تحصیل دانشجویان بر ندارد و همچون دوران احمدی نژاد و سال‌های 88 تا 92 چشمش را بر این واقعیت ببندد که هزاران دانشجوی این کشور به دلایل سیاسی از تحصیل محروم شدند و ایشان همان رویه را ادامه بدهد، این سوال مطرح می‌شود که پس 19 میلیون نفر برای چه به آقای روحانی رای دادند؟ اگر می‌خواستند که هزاران دانشجو به دلیل گرایش‌های سیاسی‌شان از تحصیل محروم شوند، خوب به کسی رای می‌دادند که همان رویه ادامه یابد. اگر آقای روحانی نخواهد سیاست‌های متفاوتی را اعمال کند پس فلسفه انتخابات چیست؟ پس رسیدن از مردم در مورد عملکرد مسوولان چیست؟ بنابراین من معتقدم که آقای روحانی به رویه همین يك سال در وزارت علوم ادامه خواهد داد.

در نهایت استیضاح رقم خورد آن هم در شرایطی که به نظر می‌رسید لاریجانی موافق آن نیست، این مساله در آرایش سیاسی مجلس چه تاثیری گذاشته است؟

در مورد استیضاح من فکر می‌کنم که در برگزیده دو نکته سیاسی است؛ یکی اینکه شکاف عمیقی را میان اصولگرایان نشان داد و اینکه مشخص شد که جریان افراطی درون جریان اصولگرا قدرت بیشتری نسبت به جریان معتدل و میانه رو پیدا می‌کند و این استیضاح و رای 145 نفر به آن باید زنگ خطری برای آقای لاریجانی و جریان معتدل اصولگرا باشد که اصولگرایان از آنها پیروی نمی‌کنند و حمایت از آقای رسایی، کوچک‌زاده و جریان احمدی نژاد را دنبال کرده‌اند.

در عین حال آقای روحانی باید در ارتباط با مجلس جدی‌تر برخورد کند. آقای روحانی مهم‌ترین پست دولتش را به اصولگرایان داد تا با هم کار کنند. با این اقدام، پیمان نانوشته‌ی بین دولت یازدهم و مجلس مقصودم بدنه معتدل و میانه مجلس است- به وجود آمد، اما طرف این يك سال گذشته فقط آقای روحانی بود که به تعهداتش عمل کرده است، طرف مقابل که آقای لاریجانی و فراکسیون رهروان باشد، به نظر نمی‌رسد که خیلی به آن پیمان نانوشته پایبند باشند. آنها وزارت کشور را گرفته‌اند اما گام‌های مهمی برای حمایت از دولت بر نمی‌دارند.

مثلا در مورد جلسه استیضاح بهتر بود که وزیر علوم به گونه‌ی دیگر از خودش دفاع می‌کرد؟

ببینید آقای فرجی دانا فکر کردند که اینجا سوییس است و سعی کردند که خیلی علمی و حقوقی از خودش دفاع کنند در حالی که ما دیدیم مخالفان چگونه فضاسازی کردند. به نظر من آقای فرجی دانا باید به شکلی محکم از تریبون علنی مجلس می‌گفت که مردم رای دادند که دیگر فضای دانشگاه، فضایی مرده نباشد. مردم رای دادند که کمیته‌های انضباطی صدای دانشجو را در نطفه خفه نکنند. به نظر من ایشان باید این‌گونه مواجه می‌شد.

و فکر می‌کنید با چنین رویکردی ممکن بود رای بیاورد؟

آقای فرجی دانا باید بنا را بر این می‌گذاشت که تصمیم دارد به مردم بگوید که چرا استیضاح شده است. ایشان باید به مردم می‌گفت که من برای بورسیه‌ها یا برای حضور آقای توفیقی یا میلی منفرد در وزارت علوم استیضاح نشدم، من به این دلیل استیضاح شدم که آن فضای دانشگاه را بر طرف کردم. باید به نمایندگان می‌گفت من صدها دانشجو را که شما غیرقانونی از حق تحصیل محروم کرده بودید، به دانشگاه بازگرداندم، اینها فرزندان این مملکت هستند. در کجای قانون اساسی نوشته شده است که حق تحصیل به شرط طرفداری از دولت است. متأسفانه ایشان سعی کرد غیرسیاسی برخورد کند و این نقطه ضعف بود.

در مورد بدنه اجتماعی دولت هم فکر می‌کنید این نقطه ضعف تاثیر داشت یعنی اینکه بعد از کنار رفتن فرجی دانا آیا ریزشی در بدنه اجتماعی روحانی ایجاد شده است؟

من فکر می‌کنم که حداقل این است که بگوییم استیضاح باعث ریزش آرای دولت نشد یعنی اگر قبل و بعد از استیضاح نظرسنجی می‌کردیم، فکر نمی‌کردم تفاوت زیادی ایجاد شده باشد.

بازگردیم به مساله روابط دولت و مجلس، شما اشاره کردید که روحانی هنگام تشکیل کابینه تا جایی که توانست پیمان نانوشته‌یی با مجلس یا دست کم طیف میانه‌روی نمایندگان در دستور کار قرار داد و بخشی از بدنه دولتش را مطابق نظر آنها چید، با این حال باز هم با برخورد مجلس مواجه شد، آیا می‌توان برای چنین رویه‌یی خاستگاهی تاریخی در مناسبات سیاسی ایران معاصر یافت؟

آنچه در مجلس امروز اتفاق می‌افتد که يك اقلیت صرفا بنا بر ملاحظات سیاسی و نه ملاحظات مبتنی بر منافع ملی استیضاح می‌کنند، مشابه آن را در گذشته هم داشتیم.

اما به نظر می‌رسد برخی از همان ملاحظات مورد نظر نمایندگان در دولت برآورده شده است، وزیر کشور حتی برای انتخاب استانداران و فرمانداران با نمایندگان مشورت داشت و به نظر می‌رسد بالاترین سطح تعامل با مجلس در این دولت اتفاق افتاد.

من در بسیاری از مناطق که برای سخنرانی دعوت می‌شوم می‌بینم بسیاری از استانداران و نمایندگان اصلا بدون اجازه نماینده آن منطقه اقدامی انجام نمی‌دهند و این مساله برای کشور فاجعه است.

به هر حال بخش زیادی از عمر دولت یازدهم با مجلس نهم هم‌زمان است، فکر می‌کنید رویکرد آینده حسن روحانی با مجلس باید چگونه باشد؟

از این نظر متأسفم که این مساله را بگویم، باز هم متأسفم و باز هم متأسفم که این را مطرح می‌کنم، شاید دولت یازدهم باید کمی از آقای احمدی‌نژاد درس بگیرد و آن جسارتی را که او داشت و در مقابل در خواست نمایندگان مجلس می‌ایستاد در پیش بگیرد و آقای روحانی و آقای رحمانی‌فضلی هم کمی در برابر مجلس بایستند.

البته فقط در مورد وزارت کشور این مساله وجود ندارد، برای مثال در حوزه آموزش و پرورش هم بسیاری از نمایندگان در انتصاب مدیران آموزش و پرورش منطقه‌یی، ورود پیدا کرده‌اند و حتی فانی را به همین دلیل به مجلس احضار کردند.

بله همین‌طور است، من گفتم که کل دولت باید در برابر زیاده خواهی مجلس محکم بایستد.

به نظر می‌رسد، دولت هم بعد از استیضاح وزیر علوم تصمیم گرفته رویه متفاوتی را در پیش گیرد، روحانی بعد از استیضاح گفت که می‌خواهم اقدام به اجرای قانون اساسی کنم، این مساله در دولت خاتمی هم مطرح شد و ماجراهایی خودش را داشت، فکر می‌کنید این صحبت رییس‌جمهور چه اندازه جدی است؟

قانون اساسی ما يك ضعف و ایراد بنیادی دارد. البته شاید دلیلش این بود که بسیاری از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی در ابتدای انقلاب خیلی به حقوق اساسی آشنایی نداشتند. ایراد بنیادی این است که می‌گوید رییس‌جمهور فرد دوم نظام است و تاکید دارد که رییس‌جمهور مسؤول اجرای قانون اساسی است. اما دیگر نمی‌گوید اگر قانون اساسی اجرا نشد، رییس‌جمهور چه کار باید انجام دهد. مثل اینکه مقررات آموزشی به صادق زیباکلام به عنوان استاد بگوید که می‌توانی در کلاس با دانشجویی که درس نمی‌خواند برخورد کنی، اما نمی‌گویند که من چه کاری می‌توانم انجام دهم، آیا می‌توانم دانشجوی را اخراج کنم؟ فقط يك مساله کلی را مطرح می‌کنند. در مورد قانون اساسی، اصل 113 هم به نظر من يك اصل گنگ، مبهم و ناقص است، اصلی است که «لا اله» را گفته اما «الاله» را نگفته و ناتمام گذاشته است.

اما خب می توان با وضع قوانین عادی تا اندازه یی این ابهام را بر طرف کرد، مثلا دولت لایحه یی را به مجلس بدهد و بعد از تصویب حدود اختیارات رییس جمهور مشخص شود.

بله می توان این کار را کرد اما هیچ مجلسی قبول نمی کند، مجلس هم اگر قبول کند شورای نگهبان قبول نمی کند.

چرا؟

چون شورای نگهبان به هیچ عنوان نمی خواهد قدرت رییس جمهور که یک فرد انتخابی است، زیاد شود بنابراین ترکیب فعلی شورای نگهبان اصلا قبول نمی کنند که قدرت رییس جمهور سرسوزنی زیاد شود.

قدرت رییس جمهور در حال حاضر با توجه به اقتضائات کشور، چقدر متناسب با آن چیزی است که باید باشد؟

من فکر می کنم قدرت رییس جمهور به عنوان کسی که منتخب رای مستقیم مردم است، نسبت به نظام های پارلمانتاری خیلی کم است.

بنابراین آیا روحانی می تواند برای افزایش قدرت رییس جمهوری اقدامی انجام دهد یا خیر؟

در کوتاه مدت کاری نمی تواند انجام دهد، باید این رویه از طریق مجلس انجام شود، بر فرض محال که مجلس این مساله را تصویب کند، شورای نگهبان مانع آن خواهد شد.

پس راهکار چیست؟ باید به همین وضع ادامه داد؟

به نظر من باید بین نخبگان کم کم این مساله مطرح شود، مطبوعات و دانشگاهیان و روحانیون در این مساله ورود کنند و به شورای نگهبان گفته شود که اقدام شما غیردموکراتیک است. باید به آنها گفته شود که مردمسالاری با هر تعریفی، به این معنا نیست کسانی که پنج درصد رای مردم را دارند، خواسته های شان را به کسی که 40 درصد رای مردم را دارد تحمیل کنند. بنابراین باید این بحث کم کم در محافل مختلف مطرح شود.